دیدگاه

بانک مرکزی در گیره فشار

مسعود دانشمند
عضو اتاق بازرگانی ایران

■ وظیفه قانونی بانک مرکزی تنظیم و نظارت بر بازار پولی، کنترل تورم و حفظ ارزش پول است. این نهاد به دلیل داشتن بدنه کارشناسی قوی می‌تواند پیش‌بینی‌ها و راهکارهای خود را به دولت ارایه دهد تا دولتمردان نیز سیاست‌های آتی خود را براساس این پیش‌بینی‌ها تدوین کنند. بانک مرکزی برای انجام وظایف قانونی خود نیاز به استقلال دارد و تا زمانی که به عنوان زیرمجموعه وزارت اقتصاد فعالیت می‌کند، نمی‌تواند به وظایف ذاتی خود عمل کند زیرا هر لحظه منتظر است تا ببیند وزارت اقتصاد به دنبال چیست تا آن را انجام دهد. در کشورهای دیگر بانک مرکزی به صورت مستقل عمل می‌کند و مانند سایر ارگان‌ها به مجلس پاسخگوست. مجلس به عنوان نهادی که بر اجرای قوانین نظارت می‌کند، باید بانک مرکزی را به دلیل عدم انجام وظایف قانونی‌اش بازخواست کند البته اگر بخواهیم به سوی استقلال بانک مرکزی حرکت کنیم باید نظارت مجلس بر این بانک افزایش یابد. در این سال‌ها، اتفاقاتی در اقتصاد ایران رخ داد که قابل تامل است. رشد نقدینگی، اختلاس سه‌هزارمیلیارد تومانی، تلاطم بازارهای ارز و سکه همه از نتایج عدم استقلال بانک مرکزی است. در سال‌های اخیر، افزایش ریال در یک کفه ترازو و افزایش سپرده‌های ارزی بانک مرکزی در بانک‌های خارجی در کفه دیگر آن قرار داشته است. دولت ارز دریافتی از محل فروش نفت را از طریق بانک مرکزی تبدیل به ریال کرده و به مصرف امور خود رسانده است. در حالی که عاقلانه آن بود، به جای افزایش نقدینگی از طریق چاپ پول، منابع بانک‌ها صرف تولید می‌شد و دولت برای جذب سرمایه‌های خارجی تلاش می‌کرد. بخشی از نقدینگی که امروز، نقدینگی مازاد یا سرگردان نامیده می‌شود حاصل عدم سرمایه‌گذاری و رکورد در تولید داخلی است. در این چند سال دولت به جای آنکه درآمدهای غیرنفتی خود را مانند مالیات و عوارض افزایش دهد بر درآمدهای نفتی تکیه کرده است. تنها نتیجه این اقدام افزایش نقدینگی و تورم است که تولید را بیش از پیش ناتوان کرده در حالی که تا تولید رونق نیابد، مهار تورم و حتی کاهش آن امکان‌پذیر نخواهد بود. در این وانفسا، رییس‌کل بانک مرکزی هم در مسیر فشارهای بیرونی حرکت می‌کند و در این راه بسیار هم زحمت می‌کشد.

خبر

نرخ سود در مناطق آزاد با سرزمین اصلی یکسان شد

■ **فارس:** بانک مرکزی به بانک‌های دولتی و خصوصی ابلاغ کرد که از این پس نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی در مناطق آزاد مشابه سرزمین اصلی خواهد بود. مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی-اداره مطالعات و مقررات بانکی به تازگی بخشنامه‌ای را خطاب به مدیران‌عامل بانک‌های دولتی، موسسه اعتباری توسعه و شرکت دولتی پست بانک ارسال کرده است. در این بخشنامه آمده است؛ شورای پول و اعتبار در هزاروصدوسی‌وششمین جلسه مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ خود مقرر کرد که «نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های بانکی» و «نرخ سود تسهیلات اعطایی» در مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران و سرزمین اصلی به صورت یکسان تعیین شود و مورد عمل قرار گیرد. بنابراین از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این بخشنامه، نرخ‌های مذکور برای مناطق آزاد تجاری- صنعتی، مطابق سیاست‌های پولی ابلاغی از سوی این بانک برای سرزمین اصلی خواهد بود.در ادامه این بخشنامه خطاب به بانکی‌ها آمده است که با عنایت به اینکه مفاد این بخشنامه پس از گذشت ۱۴ روز تقویمی از تاریخ صدور آن لازم‌الاجرا خواهد بود، مراتب ظرف مدت پنج روز کاری به کلیه واحدها/ شعب زیرمجموعه آن بانک/ موسسه اعتباری ابلاغ و رونوشت آن را به این بانک ارسال کنید.

ویژه

شرایط جدید فروش خودرو سایپا ۱۳۲ اعلام شد

■ جدیدترین شرایط فروش خودرو سایپا ۱۳۲ در مدل‌های مختلف با شرایط استثنایی اعلام شد. این خودرو در مدل‌های SL مجهز به ترمز ABS و SX مجهز به فرمان هیدرولیک و ترمز ABS عرضه می‌شود. به گزارش سایپانیوز، پیش‌فروش اعتباری خودرو سایپا ۱۳۲ با شرایط پیش‌پرداخت حداقل ۲۰ و حداکثر ۴۰ میلیون ریالی با ۴۵میلیون ریال وام، در بازپرداخت ۲۴ماهه و سود مشارکت ۱۹درصدی و سود انصراف ۱۴درصدی هم‌اکنون در تمامی نمایندگی‌های مجاز، فروش محصولات گروه خودروسازی سایپا انجام می‌شود. پیش‌فروش نقدی دوودیعه‌ای یکی دیگر از روش‌های فروش سایپا ۱۳۲ در نمایندگی‌هاست که در آن این خودرو با سود مشارکت ۲۲درصدی و سود انصراف ۱۴درصدی عرضه می‌شود.همچنین خودرو سایپا ۱۳۲ با موتور ارتقایافته که یکی از جدیدترین دستاوردهای گروه خودروسازی سایپاست با تخفیف ۱۵۰هزار تومانی و کارت نارنجی خدمات ویژه ایکس ۱۰۰ به قیمت دومیلیون ریال و گارانتی مازاد به قیمت دومیلیون و ۵۰۰هزار ریال به صورت اختیاری به مشتریان عرضه می‌شود.

بانک مرکزی در آرزوی جدایی از فرامین دولتی

استقلال غیرمستقل در ساختمان آبی

شرق: دولت‌های نهم و دهم طی سال‌های اخیر بیشترین چالش و اصطکاک را با بانک مرکزی داشته‌اند و با اتخاذ رویکردها و اعمال روش‌هایی خاص خود در دایره مسوولیت‌ها و وظایفی که از لحاظ تئوریک و قانونی صرفا در صلاحیت بانک مرکزی است، عملا استقلال عمل و نظر را از این نهاد مهم و تاثیرگذار سلب و آن را به مجری سیاست‌های خود تبدیل کرده‌اند. از همین‌رو بانک مرکزی، با آن پیکره آبی در خیابان میرداماد پایتخت به عنوان نهاد تصمیم‌گیر در حوزه پولی طی سال‌های حضور دولت‌های نهم و دهم یکی از پرتنش‌ترین دوران خود را طی چند دهه اخیر از سر گذرانده است. تغییرات پی‌درپی در رأس مدیریتی این بانک، تنش بر سر نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های بانکی، اختلاف‌نظرهای شدید در مورد سهم نظام بانکی در تامین منابع مالی طرح‌های کشور و اساسا تفاوت‌های عمیقی که در مورد تعریف، وظایف و کارکردهای بانک در اقتصاد وجود داشت و البته هنوز هم دارد، تنها نمونه‌هایی از تنش‌هایی است که عالی‌ترین نهاد ناظر و سیاست‌گذار پولی و بانکی را طی سال‌های اخیر فرسنگ‌ها از جایگاه واقعی خود در اقتصاد ایران دور کرده است. با وجود اینکه ادامه چنین روند نامناسبی از سوی دولت در تعامل با بانک مرکزی طی سال‌های اخیر عملا به سنت ناپسندی تبدیل شده بود اما وقوع اتفاقات مهم و بی‌سابقه‌ای در سال ۹۰ عمق پیامدها و زیان‌های عدم برخورداری بانک مرکزی از حد استقلال لازم را به وضوح نشان داد. افشای تخلف مالی بی‌سابقه در نظام بانکی کشور و التهابات پردامنه در بازار ارز و سکه، دو رخدادی بودند که هم به لحاظ عقبه وقوع و هم از نظر شیوه مدیریت اعمال شده برای کاهش پیامدهای پرهزینه آنها، نمونه‌هایی تمام‌قد از آثار عدم استقلال عمل بانک مرکزی به حساب می‌آیند.

تخلف ۳ هزار میلیارد تومانی؛ عاقبت دخالت

بی‌تردید خطاهای عمدی و سهوی مدیران بانکی در جریان وقوع تخلف مالی سه‌هزار میلیارد تومانی یکی از اساسی‌ترین علل این رخداد تلخ به حساب می‌آید. در جریان رسیدگی قضایی و کارشناسی به این پرونده بزرگ به دفعات از مدیران مختلف بانکی در لایه‌های گوناگون خصوصا در سطح مدیران عالی رتبه و اعضای هیات مدیره نام برده شد. بنابر آنچه تاکنون از جنبه کارشناسی و نه قضایی و حقوقی محرز شده است، حضور مدیران نالایق، غیرمتخصص و فاقد صلاحیت علمی و تجربی در رأس برخی بانک‌های کشور از جمله اصلی‌ترین علل وقوع این تخلف بزرگ و بی‌سابقه است. به عبارت دیگر، این قبیل مدیران عمدا یا سهوا؛ عمدا با هدف سوءاستفاده شخصی و غیرقانونی و سهوا به علت ناآشنایی با زیر و بم‌های امور مدیریت بانکی، نظام بانکی کشور را به دام تخلفی بی‌سابقه و دشوار انداختند که هزینه آن را تمام نظام بانکی و در دیدی کلی همه اقتصاد کشور پرداخت کرده‌اند. نگاهی به سوابق، کارنامه عملکرد و روند معرفی، انتصاب و تایید این مدیران به روشنی نشان می‌دهد که عدم برخورداری بانک مرکزی ایران از استقلال عمل لازم در بررسی صلاحیت مدیران و نظارت بر عملکرد آنان که در سایه اعمال سلیقه و نفوذ دولت اتفاق افتاده است، عملا این مدیران را از دایره صلاحیت فعالیت به عنوان مدیران بانکی خارج کرده بود اما بانک مرکزی به علل گوناگون امکان و توان ممانعت از انتصاب آنان یا جلوگیری از ادامه فعالیت‌شان را نداشت. این روال مفسده‌برانگیز متاسفانه در مورد صدور مجوز فعالیت برای بانک‌های خصوصی نیز به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که متهمان اصلی پرونده تخلف مالی سه هزار میلیارد تومانی، پس از اخذ مجوزهای لازم از بانک مرکزی، قصد داشتند تخلفات خود را در قالب و پوشش یکی از همین بانک‌های تازه تاسیس ادامه دهند. از این رو به نظر می‌رسد دخالت در حیطه مسوولیت‌ها و وظایف بانک مرکزی طی سال‌های اخیر در حوزه عزل و نصب مدیران و تایید صلاحیت آنان همچنین بررسی صلاحیت متقاضیان تاسیس بانک‌های خصوصی یکی از حوزه‌هایی است که در سال ۹۰ پیامدهای آن برای اقتصاد ایران روشن و البته بسیار نیز گران تمام شد.

آشفتگی بازار در فقدان سیاست‌های مستقل

کارشناسان متعددی یکی از مصادیق استقلال بانک مرکزی را در هر اقتصاد و کشوری، آزادی عمل این نهاد در اتخاذ سیاست‌ها و رویکردهای کارشناسی و تخصصی در حوزه پولی می‌دانند. به عبارت دیگر، بانک مرکزی به عنوان حافظ ارزش پول ملی کشور باید از نظر عملی از اختیارات و ابزارهای لازم برای انجام این وظیفه برخوردار باشد تا بتواند پول ملی کشور را به بهترین شیوه ممکن مدیریت کند و از گزند تندبادهایی که ارزش پول را دچار نقصان و آسیب می‌کنند، محفوظ نگه دارد. این مسوولیت در کشورهایی مانند ایران که عمده درآمدها از محل فروش نفت به دست می‌آید و دولت نیز بازیگر اصلی مدیریت درآمدهای نفتی و حوزه مالی کشور است، از اهمیت صدچندانی برخوردار خواهد بود، چراکه دولت هر لحظه در معرض لغزش به سمت سیاست‌ها و روش‌های پوپولیستی برای تحقق وعده‌ها و جلب رضایت طبقه‌های خاصی از جامعه است که جامه عمل پوشاندن به این وعده‌ها، عمدتا هزینه‌های هنگفتی بر دوش اقتصاد و به تبع آن ارزش پول ملی می‌گذارد. تجربه پرهزینه سیاست‌های انبساطی دولت نهم که در قالب متمم‌های کلان بودجه، اجرای طرح‌های غیرکارشناسی اشتغال‌زایی مانند بنگاه‌های کوچک و زودبازده و دهها طرح دیگر مصداق پیدا کرد از جمله نمونه‌های بارز تاثیر عدم استقلال بانک مرکزی است. در تمام این موارد عدم استقلال بانک مرکزی باعث شد این نهاد تنها و تنها به مجری سیاست‌های پولی دولت و مکملی برای اجرای وعده‌هایی تبدیل شود که قرار بود هزینه‌های آن علاوه بر بودجه از محل تسهیلات بانکی تامین شود. حجم بالای تسهیلات پرداختی از جانب بانک‌ها که افزایش شدید استقراض از بانک مرکزی، رشد چشمگیر نقدینگی و سر آخر جهش‌های تورمی منجر شد، همه و همه ناشی از عدم استقلال بانک مرکزی و ناتوانی این نهاد در استنکاف از اجرای سیاست‌های غیرکارشناسی در حوزه پولی است. به این فهرست باید عدم توانایی بانک مرکزی در برابر کاهش دستوری نرخ تسهیلات بانکی را نیز افزود که گذشته از پیامدهای ناگوار طی سال‌های گذشته، آثار خود را در سال ۹۰ و در قالب سرگردانی نقدینگی در حدود ۳۲۰ هزار میلیارد تومان در بازارهای مختلف به نمایش گذاشت. به عقیده کارشناسان، اصرار دولت بر ادامه سیاست کاهش دستوری نرخ تسهیلات و به تبع آن سپرده‌های بانکی در سال ۹۰، عدم توانایی قانونی و ساختاری بانک مرکزی با وجود نهادی تقریبا دولتی بر سر این نهاد به نام شورای پول و اعتبار، به شکلی عریان و عیان خود را به تمامی بازیگران میدان اقتصاد ایران نشان داد. اتفاقی نه چندان بزرگ به نام محدودیت مبادلات بانکی با ایران در کنار جو روانی حاکم بر بازار تنها زمانی توانستند برای مدتی حدود یک سال در بازار ارز و سکه ایران جولان دهند که سرگردانی نقدینگی گریخته از بانک‌ها این فرصت را فراهم آورده بود که چنین عواملی بر اسب سرکش نوسانات سوار شوند و بازار را با خود همراه کنند. تزریق ماهانه یارانه نقدی، کاهش ۴/۵ درصدی نرخ سپرده‌گذاری در بانک‌ها و عدم جذابیت بازارهای موازی برای جلب نقدینگی سرگردان در کنار نگرانی از روند پیش‌روی ارزش پول ملی همه و همه دست به دست هم دادند تا ظرف سال ۹۰ ریال را به پایین‌ترین سطح خود طی چند دهه اخیر برسانند و این همه متاسفانه در پیش چشم بانک مرکزی اتفاق می‌افتاد ولی عدم برخورداری از استقلال رای در تعیین نرخ سود سپرده‌های بانکی به شیوه‌ای کارشناسی، انتقال کانون تصمیم‌گیری در مورد مدیریت بازار ارز به کمیته‌هایی فاقد تخصص کارشناسی و پایگاه قانونی که به دنبال بازگرداندن آرامش به بازار به شیوه‌های پلیسی بودند، باعث شد شاهد اتخاذ تدابیری سنجیده و کارا در بازارهای مهم و راهبردی مانند ارز و سکه نباشیم.

بانک مرکزی در تعیین نرخ ارز نقشی ندارد

ایلنا: یک کارشناس اقتصادی با اشاره به سیاست نرخ سود تسهیلات بانکی گفت: اقدام اخیر بانک مرکزی یک اقدام غیرقابل اجتناب است و بدون شک نرخ پرداخت تسهیلات به دریافت‌کنندگان نیز متناسب با افزایش میزان نرخ‌ها خواهد بود. بهمن آرمان با اشاره به سیاست‌های حمایتی دولت از واحدهای تولیدی در سال‌های قبل از انقلاب افزود: طی سال‌های قبل از انقلاب به منظور بالا بردن طرف عرضه، دولت اقدام به پرداخت وام‌های یارانه‌ای به بخش‌های ویژه‌ای از تولید می‌کرد. همچنین در اتحادیه اروپا صندوقی وجود دارد که وام‌های یارانه‌ای برای مناطقی که دارای نرخ بیکاری بالا یا توسعه‌نیافتگی هستند، وام‌های یارانه‌ای پرداخت می‌کنند. وی یادآور شد: در عربستان سعودی نیز صندوقی وجود دارد به نام صندوق توسعه صنعتی که این صندوق وام‌های یارانه‌ای با نرخ تقریبا صفر و دوره بازپرداخت ۱۰ ساله را به منظور ایجاد صنعت در کشورهایی که دارای امکانات زیربنایی نیست، پرداخت می‌کند. این کارشناس مسایل اقتصادی در ادامه یادآور شد: با افزایش نرخ بهره بانکی، در صورتی که دولت یارانه جداگانه‌ای را به این بخش تخصیص ندهد، آخرین ضربه به بخش تولید کشور وارد خواهد شد. آرمان با بیان اینکه بانک مرکزی تعیین‌کننده رسمی نرخ ارز در کشور نیست، افزود: اظهارات مطرح شده در رسانه‌ها مبنی بر اینکه بانک مرکزی تعیین‌کننده نرخ رسمی ارز در کشور است، ناصحیح است، به این علت که نرخ برابری ارز نه تنها در ایران بلکه در بازارهای بزرگ مالی جهان مانند نیویورک تعیین می‌شود و بانک مرکزی عملا نمی‌تواند دخالتی داشته باشد. وی سیاست بانک مرکزی را در پیش‌فروش سکه در کاهش میزان التهاب بی‌تاثیر عنوان کرد و گفت: میزان استقبال مردم از پیش‌فروش سکه بسیار پایین بود، ضمن اینکه انتظار می‌رود پیش فروش سکه نتواند مشکلی از مشکلات فعلی ما را حل کند. این کارشناس اقتصادی با اشاره به افزایش بی‌رویه نرخ ارز در کشور تصریح کرد: چالش ایجاد شده در بازار ارز دمل چرکی بود که از دولت‌های گذشته به دولت‌های نهم و دهم منتقل شده، از این رو نرخ برابری ارز برای همیشه نمی‌تواند تداوم داشته باشد. وی از افزایش نرخ ارز در میان‌مدت خبر داد.

ارزیابی استقلال بانک مرکزی در گفت‌وگو با احمد حاتمی‌یزد:

مدیران بانکی حرفه‌ای نیستند، سیاسی هستند

شرق: سال ۹۰ سال سختی برای بانک مرکزی بود. تورم و نقدینگی، ماجرای تکراری اقتصاد ایران در سال ۹۰ هم گریبان این بانک را گرفت. اختلاس سه‌هزارمیلیارد تومانی هم، بهمنی را کم نیازرد اگرچه تحت فشار منتقدان گفت، من استعفا نمی‌دهم اما همین اظهارنظر کافی بود تا رنج بهمنی را به تصویر بکشد. وزیر اقتصاد که استیضاح شد ماجرای اختلاس را پایانی شیرین بخشید. هنوز بهمنی طعم این شیرینی را مزه‌مزه نکرده بود که دلار دیوانه‌وار به بالا جهید و رکورد ۲۲۰۰ تومان را به نام خود ثبت کرد. در تمامی این جریان‌ها مقصر اصلی، رییس‌کل بانک مرکزی شناخته شد اما هستند کسانی که فکر می‌کنند بهمنی، مرحوم نوربخش یا هرکس دیگری هم که در رأس کار بود، نمی‌توانست کاری از پیش ببرد. احمد حاتمی‌یزد، مدیرعامل اسبق بانک صادرات ریشه اتفاقات اخیر را تحلیل می‌کند.

■■■

تاکنون بانک مرکزی را تا به این میزان فاقد استقلال دیده بودید؟

به نظر من بانک مرکزی همواره فاقد استقلال بوده است اما در برخی مواقع، پیش آمده که برخی روسای کل از استقلال بیشتری نسبت به سایرین برخوردار بوده‌اند.

مثلا چه کسی؟

استقلال بانک مرکزی در زمان مرحوم نوربخش قابل مقایسه با زمان بهمنی نیست. البته مرحوم نوربخش این توان را داشت که برخی از دولتمردان را طرفدار نظر خود کند و چندان مرعوب نظرات دولت نبود، با این حال او هم از نبود استقلال نهاد تحت امر خود رنج می‌برد. یادم می‌آید، مرحوم نوربخش شدیدا به دنبال افزایش بانک‌های خصوصی بود تا آنها را جایگزین بانک‌های دولتی کند.

چرا؟

چون بانک‌های دولتی تحت امر دولت بودند و در راستای اوامر دولت فعالیت می‌کردند. در نتیجه مرحوم نوربخش نمی‌توانست از مدیران این بانک‌ها بخواهد که در اداره بانک خود به صورت حرفه‌ای عمل کنند. به غیر از دولت، مجلس نیز در قالب تسهیلات تکلیفی باری را بر دوش بانک‌ها می‌گذاشت که برای بانک‌ها لازم‌الاجرا بود. همین عامل شبکه بانکی دولتی را نیز تحت فشار می‌گذاشت و مانع فعالیت حرفه‌ای آنها می‌شد.

استقلال بانک مرکزی در شرایط فعلی چگونه است؟

استقلال بانک مرکزی در زمان بهمنی در مقایسه با مرحوم نوربخش کمتر است. البته فرقی هم نمی‌کند، میزان استقلال کدام یک از روسای کل بیشتر باشد زیرا به نظر من هیچ‌یک استقلال لازم را ندارند.

چرا فرقی نمی‌کند؛ داشتن حداقل و حداکثر استقلال در پیشبرد اهداف این نهاد مهم است؟

از زمان دولت محمود احمدی‌نژاد، سه رییس‌کل بر بانک مرکزی ریاست کردند. مظاهری تندروتر از همه بود و به دنبال اجرای استانداردهای بانکی. عاقبت او پس از یک‌سال برکنار شد اما محمود بهمنی که در جهت عکس مظاهری است، ماند.

کدام‌یک موثرتر بودند؟

به نظر من هیچ‌یک زیرا، آخرین مرجع تصمیم‌گیر در عرصه پولی، شورای پول و اعتبار است که ترکیب کاملا دولتی دارد. اگر فرض را بر این بگیریم که این شورا نظرات رییس‌کل را تایید کند، رییس‌جمهور به راحتی می‌تواند، تصمیمات آن را وتو کند. بنابراین وجود روسای کل قوی و ضعیف هیچ تاثیری بر نظام بانکی و اقتصادی کشور ندارد.

آیا بانک مرکزی در نظارت بر بانک‌ها توانمند بوده است؟

خیر، بانک‌های دولتی که به هیچ‌وجه از بانک مرکزی اطاعت نمی‌کنند زیرا مدیران‌عامل این بانک‌ها به وسیله وزیر اقتصاد تعیین می‌شوند. در نتیجه بانک مرکزی هیچ نقشی در عزل و نصب مدیران این گروه از بانک‌ها ندارد و در زمان تخلف نمی‌تواند با آنها برخورد کند. در واقع مدیرانی که برای بانک‌های دولتی تعیین می‌شوند، مدیران سیاسی هستند.

وضعیت بانک‌های خصوصی چگونه است؟ آیا مدیران این بانک‌ها حرف شنوی از بانک مرکزی دارند؟

وضع مدیران بانک‌های خصوصی به نسبت دولتی‌ها بهتر است اما به دلیل اینکه ما به معنای واقعی بانک خصوصی نداریم، اینها هم چندان تبعیتی از بانک مرکزی ندارند. اگر به ترکیب سهامداران بانک‌های خصوصی توجه کنید می‌بینید، سهامداران این بانک‌ها در ظاهر خصوصی اما وابسته به دولت هستند. تکلیف بانک‌های دولتی خصوصی شده هم روشن است.

بنابراین شما معتقدید که جای مدیران حرفه‌ای در نظام بانکی ما خالی است.

مدیران حرفه‌ای و مستقل در نظام بانکی ما کم هستند. اغلب مدیران بانکی ما سیاسی هستند. این اتفاق در بانک‌های دولتی بیشتر دیده می‌شود. مدیران‌عامل بانک‌های صادرات و ملی که در صدر بانک‌های درگیر اختلاس بودند، تحت‌فشارهای بیرونی و برای ابقای بیشتر خود تن به اعطای وام و گشایش ال‌سی خارج از مقررات دادند. در واقع آنها می‌دانستند در صورت مخالفت، برکنار می‌شدند.

مجلس، در جریان تصویب لایحه استقلال بانک مرکزی سعی کرد استقلال این نهاد را بیفزاید، آیا موفق شد؟

خیر؛ زیرا خود مجلس با تصویب تسهیلات تکلیفی موجب اخلال در نظام بانکی می‌شود. نمونه‌های زیادی از اعمال فشار نمایندگان مجلس برای پرداخت وام به افراد معرفی‌شده وجود دارد که نشان می‌دهد علاوه بر دولت، دست نمایندگان نیز در جیب بانک‌هاست بنابراین اراده‌ای برای استقلال بانک مرکزی ندارد و همه همچنان به دنبال تامین منابع مورد نیاز خود از طریق بانک‌ها هستند.

تلنگر

دخالت، ریشه مشکلات بانک مرکزی

هادی حق‌شناس
نماینده دوره هفتم مجلس

■ بانک مرکزی به عنوان متولی اصلی بازار پول در کشور شناخته می‌شود. این بازار مانند سایر بازارها دارای دو طرف عرضه و تقاضاست. اما در یک مورد با بازارهای دیگر متفاوت است. در بازار پول، عرضه‌کننده یک نهاد یعنی بانک مرکزی است در حالی که در طرف تقاضا هزاران نهاد دولتی، خصوصی و حتی مردم عادی قرار دارند. در سایر بازارها مانند سرمایه، کار و کالا در هر دو طرف عرضه و تقاضا، هزاران نفر یا نهاد وجود دارند و طرف عرضه مانند بازار پول، محدود به یک نهاد نیست. بنابراین ایجاد تعادل در این بازار و جلوگیری از نوسان قیمت پول از مهم‌ترین مباحثی است که باید مورد توجه قرار گیرند. در این میان شاخص تورم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بانک مرکزی می‌تواند از طریق به‌کارگیری ابزارهایی مانند، سپرده قانونی، اوراق مشارکت و تنزیل مجدد و با افزایش و کاهش آنها به عرضه هرچه بهتر پول کمک کند. اینجاست که نرخ تورم مبنای تعیین نرخ برای این ابزارها قرار می‌گیرد و حتی می‌تواند تورم را از این راه کنترل کند. اهمیت تعادل در عرضه پول به میزانی است که دولتمردان در سایر کشورها حداکثر استقلال را به بانک مرکزی داده‌اند تا بتواند تورم و نرخ سپرده‌ها را کنترل کند؛ در صورتی که بانک مرکزی مستقل باشد، می‌تواند با یک برنامه‌ریزی بلندمدت بر تورم و سپرده‌ها اثرگذار باشد. بانک مرکزی در ایران با دو چالش جدی مواجه است. اول، نحوه انتخاب رییس‌کل بانک مرکزی و اعضای شورای پول و اعتبار که اغلب آنها دولتی هستند و دوم، مدت‌زمان حضور یک رییس‌کل در این بانک است که حضوری بلندمدت و پایدار نیست. در این چند سال، مدت‌زمان حضور روسای کل در بانک مرکزی کاهش یافته و سیاست‌گذاری‌ها به دلیل ترکیب شورای پول و اعتبار، به سوی دولتی شدن رفته است. حتی در مجلس در قالب قوانین متعدد تکالیفی بر عهده بانک مرکزی گذاشته می‌شود که مغایر با سیاست‌های این نهاد است. برآیند این تضادها و دخالت‌ها تورم دورقمی است که بر اقتصاد ایران سایه انداخته در حالی که بسیاری از کشورها حتی کشورهای همسایه ایران نرخ تورم تک‌رقمی را تجربه می‌کنند. بنابراین بزرگ‌ترین دلیل عدم استقلال بانک مرکزی دخالت نهادهای غیردولتی و دولتی در امور این بانک است که اگرچه میزان دخالت هر یک از نهادها به یک اندازه نیست، اما در نهایت منجر به ایجاد خلل در سیاست‌های بانک مرکزی می‌شود.